

کارکرد قاعده احسان در پایایی خانواده

فرشته اسداللهی¹

شیرین رضایی²

سمیه فاتحی‌نیا³

چکیده

خانواده یکی از مهم ترین و تأثیرگذار ترین نهاد ها در زندگی فردی و اجتماعی است چرا که افراد تشکیل دهنده جوامع و تمدن ها ابتدا در خانواده پرورش یافته و تربیت می شوند از این رو بخش اعظمی از علوم و فرامین اسلامی به دنبال افزایش پایایی و استحکام این نهاد مقدس و انسان ساز هستند. علم فقه نیز از این امر مستثنی نبوده و فقها سعی بر آن دارند که تا حد امکان با به کارگیری قواعد و احکام فقهی از فروپاشی خانواده ها جلوگیری کنند. یکی از پر کاربرد ترین قواعد فقهی در این مسئله قاعده احسان است. پژوهش حاضر به روش نقلی، وحيانی با رویکرد توصیفی _تحلیلی به بررسی کاربرد قاعده احسان در پایایی خانواده پرداخته و گردآوری مطالب به روش اسنادی با استفاده از منابع کتابخانه ای انجام شده. یافته های پژوهش نشان می دهد به کارگیری قاعده احسان در روابط بین زوجین، والدین و فرزندان و روابط بین فرزندان یک خانواده آثاری چون افزایش سازگاری، افزایش مودت و رحمت، مهار خشم، تکریم شخصیت اعضا، افزایش صمیمیت، جلوگیری از گسستن پیوند های خانوادگی و حفظ حرمت ها را به دنبال دارد.

کلید واژه ها: احسان، قاعده احسان، خانواده، پایایی خانواده

مقدمه

خانواده کوچکترین واحد تشکیل دهنده جامعه و اولین نهاد اجتماعی است که حفظ و استحکام و پایایی آن در اسلام از اهمیت به سزایی برخوردار است. قواعد فقهی، مقابل قواعد اصولی، و به معنای آن دسته از احکام کلی است که در ابواب گوناگون فقه جریان داشته و منشأ استنباط احکام جزئی می شود، مانند: قاعده « لا ضرر » که هر جا ضرری متوجه شخص شود، مطرح می گردد؛ و در بسیاری از ابواب فقه،

¹ طلبه سطح سه رشته فقه و اصول، حوزه عالی کوثر قزوین asadollahi1393@gmail.com.

² طلبه سطح سه رشته فقه و اصول، حوزه عالی کوثر قزوین

³ طلبه سطح سه رشته فقه و اصول، حوزه عالی کوثر قزوین Fatehisomaye4@gmail.com.

هم چون بیع ، اجاره ، طلاق و غیره به کار می‌رود. یکی دیگر از این قواعد فقهی قاعده احسان است. منظور از قاعده احسان این است که هرگاه کسی به انگیزه خدمت و نیکوکاری به دیگران، موجب ورود خسارت به آنان شود، اقدامش مسئولیت آور نیست. بنابراین مجرای اصلی قاعده احسان در بحث مسقطات ضمان است. توجه به احسان یکی از اصول حقوقی_ اخلاقی اسلامی در نهاد خانواده است. به نحوی که اصل احسان در راس هرم حقوقی_ اخلاقی اسلام قرار گرفته و در تمام ساختار آن جاری است. اهتمام به احسان در قالب یک اصل اخلاقی_ حقوقی در نهاد خانواده به عنوان یک وسیله کارآمد در دعاوی خانوادگی است که موجب حفظ استحکام خانواده و کارایی آن می‌شود. از آنجا که در عصر حاضر تشنجات خانوادگی موجب سست شدن بنیان خانواده گردیده است، و اعضای خانواده فقط دنبال احقاق حق خویش بدون در نظر گرفتن احوال اعضای دیگر خانواده هستند، بررسی قاعده احسان در بهبود روابط خانوادگی و در نتیجه افزایش پایداری خانواده بسیار ضروری است. کارایی قاعده احسان در پایداری خانواده به این صورت است که خسارتی که یکی از افراد خانواده از روی حسن نیت و باهدف خیر رسانی به خانواده وارد می‌کند، به عنوان محسن از جبران خسارت معاف می‌شود و ضامن آن نخواهد بود. از این رو سایر اعضای خانواده حق سرزنش فرد خاطی را ندارند. در نظر گرفتن این قاعده فقهی اهمیت بسزایی در کاهش خصومت اعضای خانواده و در نتیجه بهبود روابط اعضای خانواده خواهد داشت با عنایت به آنچه که گفته شد این سوال پیش می‌آید که کاربرد قاعده ی احسان در پایداری خانواده به چه نحو است؟ کاربرد قاعده احسان در روابط بین والدین و فرزندان چگونه منجر به پایداری بیشتر خانواده می‌شود؟ کاربرد قاعده احسان در روابط بین فرزندان چگونه منجر به پایداری خانواده می‌شود؟

با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش‌های متعددی مانند مقاله «قاعده احسان در حقوق خانواده و بررسی اصولی آیات مربوط به آن» ۱۳۹۷ از زهرا کارگر و مقاله «مفهوم قرآنی و اصولی احسان و کارکردهای تربیتی آن» ۱۴۰۱ از محمدعلی همتی و علی شیروانی شیرینی و مقاله «ابعاد فرهنگی احسان در قرآن و سنت» ۱۳۹۳ از علی سروری مجد در این زمینه صورت گرفته است. آنچه که پژوهش حاضر را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌کند بررسی کاربرد این قاعده در کاهش تنش‌های خانوادگی، افزایش صمیمیت در میان اعضاء خانواده و به طور کلی بحث پایداری خانواده است.

مفاهیم لغوی و اصطلاحی: اصطلاح پژوهی:

احسان: از ریشه «حسن» گرفته شده و متضاد آن، واژه «إساءه» است (ازهری، 1421 ه.ق: 183/4؛ ازدی، 1387 ه.ش: 322/1)

مصدر باب افعال است در لغت به معنای انجام اعمال خیری است که انجام آن شایسته است (حماد، 2008 م: 32)

احسان یک صفت پسندیده ای است که مختص به فردی است که قصد رساندن نفع به دیگری را دارد. (سانو، 1427 ه.ق: 44؛ سجادی، 1373 ه.ش: 94/1)

احسان در قرآن به معنای عطیه و بخشش به دیگران است و خداوند به احسان نمودن امر کرده است «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ». و آن برتر و بالاتر از عدل است چرا که به اعطا کردن هر چیزی به میزان دریافت همان چیزی که به فرد رسیده است عدل گفته می‌شود ولی احسان، آن است که بیشتر از آن چیزی که دریافت کرده است را اعطا نماید (بصمه جی، 2009 م. 27)

خانواده: خانواده در لغت به معنای خاندان، دودمان، خیل خانه، تبار و دوده می‌باشد (دهخدا، بی‌تا؛ 8292/6)

در اصطلاح خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که شامل پدر، مادر و فرزندان می‌باشد (هاشمی شاهرودی، 1426 ه. ق. 422/3) و با هدف مشترک و منافع مشترک زیر سقفی گرد هم می‌آیند. اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می‌کند، که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مردی تشکیل می‌دهد. نکاح، عقدی است که بر اساس آن رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار می‌شود و در پس آن، طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می‌شوند. ارتباط خویشاوندی در سایه نکاح پدید می‌آید و اعضای آن دارای روابط قانونی، اخلاقی و عاطفی می‌گردند (حسینی نژاد 1398: 31)

قاعده احسان در فقه

یکی از پرکاربردترین قواعد فقهی در زمینه خانواده که نقش چشمگیری در حفظ و تعالی خانواده دارد قاعده احسان است که در اصطلاح فقهی و اصولی این گونه بیان شده است:

فقه‌ها با تمسک به آیه «مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ» قاعده‌ای با عنوان قاعده احسان را بنا نهاده‌اند (سجادی، جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، 3 جلد، کومش - ایران - تهران، چاپ: 3، 1373 ه. ش. 1455/3). بر مبنای این قاعده هرگاه فردی با قصد احسان و نیکی به دیگران باعث ورود خسارت به آن فرد شود، این عمل او مسئولیت و ضمان آور نیست (یزدی، 1406 ه. ق. 295/2؛ بجنوردی، 1401 ه. ق. 38/1؛ بای، 1393، 32)

علمای فقه در این باره معتقدند که محسنین همان کسانی هستند که به دیگران احسان میکنند. منظور ایشان از احسان همان کمک کردن و خیر رساندن است؛ یعنی ملاک را جذب خیر و دفع ضرر تلقی میکنند. بدین سان دامنه بحث احسان، چندان مؤثر نیست. اما در پژوهشی که در یک سال گذشته داشته ایم بدین نتیجه رسیده ایم که این قاعده فقهی احسان کاربردی گسترده دارد. بدین سان نه تنها در صحنه کارزار، باید از قاعده احسان سود جست، بلکه در عرصه علم و تحقیق و ابتکار و نیز خدمات پزشکی و غیر آن، قاعده احسان کاربرد دارد. آموزگاری که در تعلیم دانش آموزان کوشا بوده است، مسئول افت تحصیلی دانش آموزان نیست؛ زیرا او به نیکی در وظیفه اش کوشیده است. یا یک فرمانده لایق که به سبب محدود بودن امکانات نتوانسته به هدف نایل گردد، نباید ملامت شود و همچنین یک پزشک که بدرستی معاینه و معالجه را انجام داده است. همه این موارد مصادیق احسان در تنگناهاست که کمترین انتظار بی جا و

نامناسب را به وجود نمی آورد «ما علی المحسنین من سبیل» قاعده فقهی احسان، در تمام ابعاد زندگی انسان جریان دارد. اصولاً تمام قواعد فقهی از چنین خصوصیتی برخوردارند (نعیم آبادی، 1385: 173)

۱_ قلمرو قاعده

در اینکه آیا مجرای قاعده احسان محدود به موارد دفع ضرر است یا موارد جلب منفعت، و یا هر دوی آنها را شامل می شود، بین فقها اختلاف عقیده وجود دارد که در زیر به بیان مواردی از آن بسنده می کنیم:

1. نظریه دفع ضرر. بعضی فقها معتقدند که قاعده احسان اختصاص به موارد دفع ضرر دارد و موارد جلب منفعت را شامل نمی شود؛ اما این نظریه مورد انتقاد قرار گرفته است؛ زیرا با توجه به عموم جمله «مَإِ عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ» و اینکه به تصریح اهل لغت، و تبادر و نیز عدم صحت سلب، جلب منفعت از مصادیق احسان است، قاعده احسان را نباید محدود به موارد دفع ضرر دانست و موارد جلب منفعت را از شمول آن خارج کرد.

2. نظریه جلب منفعت. بر خلاف گروه نخست، برخی فقها اعتقاد دارند که قاعده احسان به موارد جلب منفعت اختصاص دارد و شامل موارد دفع مضرت نیست. به عقیده این گروه، متبادر از واژه احسان، جلب منفعت است نه دفع مضرت و اقوال فقهای اهل سنت نیز مؤید این معنی است و به علاوه، در واژه احسان نوعی مفهوم اثباتی و ایجادیه نهفته است و این معنی با جلب منفعت سازگار است نه دفع مضرت؛ زیرا نفع رساندن از امور اثباتی محسوب می شود.

شیخ طوسی به ظاهر با این نظریه موافق است؛ زیرا در تعریف احسان گفته است:

«الاحسان هو ایصال النفع الی الغير لینتفع به مع تعریه من وجوه القبح»؛ یعنی احسان به معنی منفعت رساندن به غیر است؛ بدین منظور که از آن منتفع شود، مشروط بر آنکه از هرگونه قبحی مبرا باشد.

3. نظریه مختار. به نظر می رسد که احسان هم شامل دفع ضرر است و هم جلب منفعت را شامل می شود؛ زیرا آنچه از واژه احسان متبادر می شود، مفهوم اعم است و همچنین مفاد قاعده احسان يك حکم عقلی است و امور عقلی تخصیص پذیر نیستند و در این مورد خاص نیز دلیلی بر وجود اختصاص وجود ندارد. بنابراین، احسان به صاحب مال، گاهی به منظور دفع ضرر است و گاه برای رساندن منفعت (یزدی، سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (محقق داماد)، 4 جلد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران - ایران، دوازدهم،

1406: 301/2)

۲_ انواع احسان

احسان به عنوان یک روش تربیتی که به معنای نیکوکاری و نیکی به دیگران است به صورت های گوناگون عرضه می شود. انواع احسان در قرآن عبارت اند از:

۲_۱ احسان بدوی و پاداشی (معاوضه ای و دفعی)

انسان گاه بدون اینکه دیگری به او احسان و نیکی کرده باشد به آن شخص احسان می کنند که این احسان بدوی و ابتدایی است؛ اما گاهی احسان به دیگری در برابر نیکی یا بدی است که دیگری به او روا داشته است. این نوع احسان را احسان پاداشی یا دفعی می نامیم، خواه به میزان احسان دیگری باشد و خواه کمتر یا بیشتر اگر این احسان دوم بیش از احسان اولی باشد یا در برابر بدی باشد که احسان نامیدن آن واضح است؛ اما اگر مساوی یا کمتر از احسان اولی باشد، به این دلیل آن را احسان می نامیم که احسان کننده اول به نیت عوض و پاداش احسان نکرده ولی احسان کننده دوم نیز به قصد قربت یا اطاعت خدا؛ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ أَيَا جزای نیکی جز نیکی است؟! (الرحمن ۶۰) احسان کرده است. از این رو، احسان پاداشی به نوعی احسان بدوی تلقی میشود اما به این دلیل که اگر احسان اولی نبود احتمال اینکه این فرد نیز به او احسان کند کم بود احسان معوض با پاداشی تلقی می شود.

۲_۲_ احسان فعلی و قولی

احسان از دو طریق قابل ابراز است؛ گاه از طریق رفتار و فعل و گاه از طریق گفتار و قول این دوگونه احسان هر دو دارای آثار تربیتی اند؛ از این رو در قرآن هر دو، مورد توجه قرار گرفته اند.

مواردی چون احسان به والدین خویشاوندان یتیمان و فقیران: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ؛ و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید» (بقره، ۸۳)

۲_۳_ احسان عمومی و خصوصی

چنان که رحمت الهی دو جهت عام و خاص دارد، احسان نیز دارای دو دامنه و گستره عمومی و خصوصی است. برای مثال پیامبر نسبت به همه مردم احسان داشت و نیکی آن حضرت شامل همه میشد بنابراین احسان ایشان در این مرتبه عام بود و همه انسان ها را دربر می گرفت: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم (انبیاء، ۱۰۷) اما پیامبر ﷺ نسبت به خواص یعنی مؤمنان احسانی ویژه و متفاوت داشت خداوند از این احسان به «خفض جناح یاد میکند و اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ، و بال خود را برای مؤمنان بگستر و با آنها نرم خوبی کن (حجر ۸۸)، بال گستردن کایه از تواضع و نرم خوبی است. پرنده وقتی میخواهد جوجه هایش را در آغوش بگیرد پر و بال خود را باز می کند. و بر سر جوجه ها میگستراند و خود را تسلیم آنها میکند؛ یعنی (ای پیامبر) خود به مؤمنین بیردار و آنان را دور خودت جمع کن و پر و بال رأفت و رحمت بر ایشان بگستران. گرچه رحمت و خفض جناح به لحاظ مفهومی مترادف احسان نیستند، اما به لحاظ مصداقی میتوانند یکی باشند یا حتی میتوان رحمت و خفض جناح را مصداق های احسان دانست.

این امر به ما می آموزد که احسان نباید در یک سطح اعمال شود، بلکه متناسب با مخاطب باید متفاوت باشد. گاه احسان به دشمن و مخالف است که با هدف هدایت و برگرداندن وی از دشمنی و خیره سری انجام می پذیرد؛ گاه احسان کردن به عموم مردم، برای تربیت و هدایت است و گاه احسان کردن به خواص و هدایت شدگان برای کسب هدایت بیشتر به طور قطع این سه نوع با هم تفاوت آشکاری دارند.

پیش از مسافرت ضروری، مالی را به فرزند خود برای هزینه‌های زندگی می‌سپارد اما فرزند با صرف آن در هزینه‌های غیرمذکور اما با هدف دست‌یابی به سود کلان موجب اتلاف آن اموال می‌شود. در این حالت بر طبق قاعده احسان این فرد ضامن اتلاف مال نمی‌باشد. زیرا فرزند با قصد خیر و سودآوری اقدام به این عمل نموده است و موجب ضرری ناخواسته گردیده است.

۵_ کاربرد قاعده احسان در روابط بین فرزندان

روابط بین فرزندان از حساسیت بیشتری نسبت به روابط بین زوجین و همچنین روابط بین والدین و فرزندان برخوردار است. چرا که محبت و علقه ی ناگسستنی که بین والدین و فرزندان وجود دارد در روابط بین خواهر و برادر ها کمتر دیده می‌شود و از طرف دیگر فرزندان تمایل کمتری به سازش و مدارا با خواهران و برادران خود دارند در نتیجه کشمکش ها، تقابل منافع و سلیقه ها بین فرزندان بیشتر است از این رو به کارگیری قاعده ی احسان در روابط بین فرزندان از جایگاه و اهمیت بیشتری برخوردار است .

۵_۱_ افزایش صمیمیت

افزایش صمیمیت و محبت از آثار به کارگیری قاعده ی احسان در روابط بین فرزندان یک خانواده است. چشم پوشی و اغماض نسبت به خطاهای اعضای خانواده منجر به افزایش امید به زندگی، همدلی، نشاط و سازگاری در خانواده و بهبود کیفیت زندگی خانوادگی می‌شود .

تصور کنید پدرتان بنابه مصالحی خانه ای که حق الارث شما بوده است را در زمان حیات خود به برادر تان تحت عنوان بیع انتقال داده است حال پس از فوت پدرتان شما از برادران درخواست میکنید تا خانه را به شما برگرداند در این زمان متوجه میشوید که برادران برای جلوگیری از تخریب خانه قصد تعمیر خانه را داشته که بر اثر مشکل در سیم‌کشی برق خانه آتش گرفته و سوخته است. حال شما دو راه پیش رو دارید گذشت کنید و با توجه به حسن نیت برادران به او فرصت دهید تا اشتباهش را جبران کند یا شروع به دشمنی با او کنید.. اگر هدفتان از زندگی آرامش است و خواستار بهبود و اصلاح روابط خود با سایر اعضای خانواده هستید ما راه اول را به شما پیشنهاد می‌دهیم چرا که هرگز نمی‌توان تصور کرد نتیجه انتقام، کینه و دشمنی افزایش محبت و صمیمیت بین اعضای خانواده باشد. از این رو امیرالمومنین علی (علیه السلام) در هنگام مواجه با خطاهای دیگران ما را تشویق به عفو و احسان مینماید (إِذَا أُسِيءَ إِلَيْهِ غَفَرَ زَمَانِيَّ كَمَا أَنَّ بَدِيَّ كَرِهَتْ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ) (محمّدی ریشه‌ری، ۲: ۱۲۲). با خشونت و رفتار تلافی جویانه دل ها از هم فاصله می‌گیرد و به تبعیت از دل ها، صاحبان آنها نیز از هم فاصله خواهند گرفت چرا که نمی‌توان از قلب های پر از کینه انتظار مهر و محبت و صمیمیت داشت شاید علت سفارش اکید خداوند در قرآن کریم به پیامبر برای گذشت از خطاهای امت خویش «حُذِّ الْعَفْوَ وَأُمِرْ بِالْعُرْفِ» (اعراف ۱۹۹) همین مسئله بوده است چرا که پیامبر با وجود کینه نسبت به مردم نمی‌توانستند خیرخواه و دلسوز آنها بوده و آنگونه که شایسته است با مردم ارتباط گرفته و رسالت خویش را انجام دهند. از طرفی خداوند با علم به جایگاه و اهمیت عفو و چشم پوشی از خطاهای دیگران در افزایش مودت و صمیمیت به پیامبر ابلاغ نمودند که به عنوان الگوی و اسوه ی اخلاق، بدی ها و آزار و اذیت های مردم را هرچند از روی قصد و غرض باشد با رفتار بهتری پاسخ‌گویند « اَدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

السَّيِّئَةَ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ؛ تو آزار و بدی های امت را به آنچه نیکوتر است دفع کن ما جزای آنها را بهتر میدانیم» (آیه ۹۶ سوره مومنون)

با عنایت به رفتار پیامبر در برابر خطاها و مانع تراشی های عمدی عده ای از مردم و الگو قرار دادن ایشان، گذشت از اشتباهات اعضای خانواده که با هدف خیر خواهی و مصلحت های ظاهری انجام شده کار آسان ترس خواهد شد.

۵_۲_ حفظ حرمت ها

در فرهنگ ایرانی _ اسلامی رعایت ارزش ها و هنجارهای موجود در یک خانواده از جایگاه ویژه ای برخوردار است. یکی از مهم ترین کاربردهای قاعده احسان در حفظ حرمت ها و ارزش های خانواده است. اگر اعضای خانواده بدون در نظر داشتن حسن نیت فرد خاطی تنها پیامد منفی عمل او را در نظر گرفته و با سرزنش، توهین و تحقیر سعی در بروز احساس ناخوشایند خود نمایند و به هیچ عنوان گوش شنوایی برای توضیحات طرف مقابل و عذرخواهی های او نباشند فرد خاطی اقدام به رفتار تلافی جویانه کرده و شروع به فحاشی، عدم پذیرش خطای خود و بی حرمتی به خواهران و برادران خود خواهد کرد از این رو بهتر است پس از مواجهه با اشتباهات خواهران و برادران خود گوش شنوایی برای آنها باشیم و با درک شرایط و علل دخیل در ارتکاب اشتباه با همراهی فرد خاطی در پی جبران اشتباه او باشیم. هر یک از اعضای خانواده باید مراقب حرمت ها و ارزش های خانواده باشند و نگذارند سرزنش های مداوم منجر به نابودی جایگاه ارزشی آنها نزد اعضای خانواده شود. «و عَظُمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّعَافُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ ... وَ لَا تَكُونُوا بَحَائِشَ عَمَّا غَابَ عَنْكُمْ، فَيَكْثُرُ عَائِبُكُمْ ... وَ تَكْرَهُوا بِالتَّعَامِي عَنِ الْأَسْتِقْصَاءِ؛ قدر و منزلت خود را با تعافل نسبت به امور پست و کوچک بالا ببرید... و زیاده از اموری که پوشیده و پنهان است، تجسس نکنید که عیبجویان شما زیاد می شوند ... و با چشم بر هم نهادن از دقت بیش از حد در جزئیات، بزرگواری خود را ثابت کنید». (تحف العقول، حسن بن شعبه حرانی، ج ۱، شناسه حدیث ۳۰۳۸۶۸ ص ۲۲۴)

قرآن کریم توصیه می کند که در مواجهه با لغزش ها و خطاهای اعضای خانواده ضمن حفظ ارزش ها از شیوه عفو و گذشت و محبت استفاده شود تا کانون خانواده از خطر فروپاشی در امان بماند «یا ایُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَ إِنْ تَعَفَّوْا وَ تَصَفَّحُوا وَ تَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید بعضی از همسران و فرزندان دشمنان شما هستند، از آنها بر حذر باشید و اگر عفو کنید و صرف نظر نمایید و ببخشید (خدا شما را می بخشد) چرا که خداوند بخشنده و مهربان است. (تغابن: ۱۴)

۵_۳_ جلوگیری از قطع صله رحم

یکی از مهم ترین کاربردهای قاعده احسان در جلوگیری از خدشه دار شدن روابط بین فرزندان یک خانواده است. قطع رابطه بین فرزندان و والدین به علت علقه و محبت بین آنها کمتر اتفاق می افتد در حالی که بین فرزندان یک خانواده بیشتر شاهد چنین مسئله ای هستیم. گاهی دیده شده است که فرزندان یک خانواده بر سر کم اهمیت ترین مسائل سالیان متمادی با یکدیگر قطع رابطه کرده اند.

طبق آموزه های اسلامی تنها رسول خدا و ائمه اطهار، معصوم بوده و از هرگونه خطا و اشتباهی مبرا هستند. « إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا » (احزاب: 33). از این رو ممکن است هریک از اعضای خانواده ناخواسته و گاهی به سبب خیرخواهی دچار لغزش ها و اشتباهاتی شوند که منجر به ایجاد زحمت و مشکلات مالی، جانی و گاهی حیثیتی برای سایر اعضا شود. برای مثال علی اقا اقدام به دریافت وام بانکی میکند تا با استفاده از مبلغ وام مرغداری خود را گسترش دهد برای این کار از خواهر خودسمیه میخواهد تا ضامن او در نزد بانک شود. پس از گذشت مدتی از دریافت وام، علی (مضمون عنه) ورشکست شده و دیگر قادر به پرداخت اقساط خود نیستاز این رو، بانک اقدام به مسدود کردن حساب های زهرا می کند. چنین مشکلاتی می تواند عامل ایجاد کینه و دشمنی بین اعضای خانواده شده و برای سالیان طولانی روابط بین فرزندان یک خانواده را مخدوش نماید. از این رو در چنین مواقعی بهتر است اعضای خانواده با تاسی به فرمایش امام علی (علیه السلام) که عدم چشم پوشی از خطاهای دیگران را از عوامل ناگوار شدن زندگی می‌شمارند (مَنْ لَمْ يَتَغَابَلْ وَ لَا يَغُضَّ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَعَّصَتْ عَيْشُهُ) (غرر الحکم، شماره 9149.67- بحار الانوار، ج 75، ص 64) صبر پیشه کرده و به جای اینکه از طریق مراجع قضایی مسیله را پیگیری کنند با علم به شرایط پیش آمده از خطاهای خواهران و برادران خود چشم پوشی کرده و تمامی همت خود را به کار گیرند تا از طریق کمک های مادی و معنوی قدمی در مسیر حل مشکلات آنها برداند. با استفاده از قاعده احسان در چنین مواقعی می توانند از جوانه زدن تخم های کینه و دشمنی نسبت به عزیزانشان جلوگیری کنند. دانستن این نکته ضروری است که بدون گذشت هیچ رابطه ای ماندگار نخواهد شد و همهی ما روزی مرتکب خطا شده و نیازمند بخشش دیگران خواهیم شد پس چه بهتر است در هنگامی که در موضع قدرت هستیم و حق با ماست ببخشیم تا در هنگام ضعف و نیازمندی بخشیده شویم «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ؟» ببخشید و به آنها محبت و احسان کنید، مگر دوست ندارید که خداوند هم خطاهای شما را ببخشد» (نور: ۲۲)

نتیجه:

کاربرد قواعد فقهی منحصر در فقه و احکام شریعت نیست بلکه می توان به فراخور محتوا و مدلول قاعده در شئون مختلف از آن استفاده کرد که یکی از قواعد فقهی پرکاربرد در نظام خانواده قاعده احسان است که به کارگیری این قاعده در روابط بین زوجین آثار متعددی مانند افزایش سازگاری، آرامش، مودت و رحمت را به دنبال دارد.

همچنین در روابط بین فرزندان و والدین دارای آثار متعددی مانند تکریم شخصیت، رفق و مدارا، پرهیز از سرزنش و انتقام گیری می باشد و در روابط بین فرزندان نیز افزایش صمیمیت، حفظ حریم ها و جلوگیری از قطع صله رحم را در پی دارد.

منابع:

*قرآن مجید

ابن ادريس حلی، محمد بن جعفر، سرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج 2، قم، موسسه النشر الاسلامی، چاپ ششم، 1430 ه.ق.

انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵)، المکاسب، قم: مجمع الفکر الاسلامی

ازدی، عبدالله بن محمد، کتاب الماء، 3 جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران-موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل - تهران، چاپ: اول، 1387 ه.ش

ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، 15 جلد، دار احیاء التراث العربی - بیروت، چاپ: اول، 1421 ه.ق.

اسحاقی، حسین؛ سلوک علوی: راهبردهای امام علی در تربیت فرزندان؛ قم: بوستان کتاب؛ 1385
انصاری، مسعود و طاهری، محمد علی، مجموعه دانش نامه حقوق خصوصی، تهران: نشر جنگل، ۱۳۸۸
بداغی، فاطمه؛ اخلاق حقوق خانواده (خانواده موفق/8)؛ اصفهان: حدیث راه عشق؛ 1388

حسینی زاده، علی، مشایخی، شهاب الدین؛ روش های تربیتی در قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1393

حسینی نژاد، مجتبی؛ نقش والدین در تربیت دینی فرزندان؛ قم: اثر قلم؛ 1398

خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، جلد 2، بیروت، انتشارات المرتضی، چاپ اول، 1427 ه.ق.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه لغت نامه دهخدا، بی تا

شیروی، عبدالحسین؛ حقوق خانواده (ازدواج، طلاق و فرزندان)؛ تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ 1395

شیرازی، ناصر مکارم، احکام پزشکی (مکارم)، در یک جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، اول، 1429

صبور اردوبادی، احمد؛ پیوندهای پایدار (جلد دوم): نقش آمیزش جنسی در پیوندهای پایدار؛ تهران: بهمن برنا؛ 1386

طیبی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیه السلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1376

علامه حلی، حسن، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، جلد 3، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسان حوزه علمیه قم، چاپ اول، 1413 ه.ق.

فرحزاد، حبیب الله؛ تربیت فرزند؛ قم: عطش؛ 1395

فیروز مهر، محمد مهدی، ازدواج و همسر داری انبیا از منظر قرآن و حدیث، قم: دفتر تبلیغات اسلامی قم، 1398

کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، جلد ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات بهمن، ۱۳۷۱

محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم)، قم: دارالحدیث، 1393
منابع عربی

نعیم آبادی، غلامعلی، احسان، تهران: امیرکبیر؛ 1385

هاشمی شاهرودی، محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، 5 جلد، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، مرکز پژوهشهای فارسی الغدیر - ایران - قم، چاپ: 1، 1426 ه.ق

یزدی، سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (محقق داماد)، 4 جلد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران - ایران، دوازدهم، 1406

آیتی، طیبیه؛ «طلاق به درخواست زوجه مبتنی بر عدم پرداخت نفقه با رویکردی قضایی»، فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۵

سجادی امین، مهدی، «تبیین مبانی فقهی کوثر در تطبیق قاعده نفی عسر و حرج بر مسائل فقهی خانواده»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات جنسیت و خانواده، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۵

طاهری نیا، «فعالیت اقتصادی زنان از دیدگاه قرآن»، نشریه معرفت؛ آبان ۱۳۸۳، شماره ۸۳